



چالش های رشد صنعت ملی پوشاک در ایران

چکیده

محصولات صنعت نساجی پس از مواد غذایی در درجه دوم اولویت برای هر خانواده می باشد. صنعت نساجی در طول تاریخ نقش تعیین کننده ای در رشد و شکوفایی اقتصادی و صنعتی کشورها و جوامع گوناگون ایفا کرده است؛ به گونه ای که بسیاری از کشورها، بخشی از موفقیت اقتصادی خود را مدیون رشد و پیشرفت خود در زمینه محصولات نساجی می دانند در ایران نیز نساجی جزء صنایعی محسوب می شود که از سابقه ی زیادی برخوردار بوده است. با وجود این که صنعت نساجی کشور از نظر اشتغال زایی پس از صنعت نفت قرار دارد، ولی همچنان با مشکلاتی بسیاری نظیر بهره ی بانکی، قاچاق کالا، عوارض سنگین، واردات بی رویه، کمبود نقدینگی و نحوه ی اجرای قانون نوسازی صنایع مواجه است. با رشد جمعیت در کشور و نیازانسان به پوشاک و سایر محصولات صنعت نساجی و برای جلوگیری از واردات غیرقانونی و در نتیجه ی خارج شدن ارز از کشور لازم است که در کشور به واحدهای نساجی بیشتر توجه شود. با این حال کم توجهی به صنعت نساجی و پوشاک در ایران موجب شد تا این صنعت در سال های اخیر نه تنها رشد را تجربه نکند، بلکه با رکود نیز مواجه شود.

از این رو، پژوهش حاضر که با رویکردی مروری و ترویجی نگاشته شده است درصدد است با کنکاشی دقیق و ریزبینانه پی رامون صنعت نساجی ایران، چالش های کنونی آن را شناسایی کرده و راهکارهایی کاربردی در این زمینه ارائه دهد.

کلمات کلیدی: صنعت نساجی، چالش ها، راهکارها، ایران.

1. مقدمه

انقلاب صنعتی مجموعه‌ای از دگرگونی‌های فنی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی بود که به مدت یک قرن (۱۸۵۰-۱۷۵۰ میلادی) در انگلستان پدیدار شد و به دیگر کشورها راه یافت (هوبزباوم ۱۳۷۴). در این مدت اقتصاد وابسته به کشاورزی و صنایع دستی، به اقتصاد وابسته به صنعت و تولیدات ماشین تبدیل شد. به عبارت دیگر، به تدریج نیرو و کار ماشین جای نیروی کار انسان و حیوانات بارکش را گرفت (کاریک، ۱۳۸۱). در عصر حاضر، توجه کشورهای در حال توسعه به عملکرد بخش صنعت دلایل گوناگونی دارد. بسیاری از کشورها، صنعتی شدن را معادل متمدن شدن، مستقل شدن و عاملی برای کسب اعتبار جهانی می‌دانند. به بیان دیگر، بخش صنعت یکی از بخش‌های پیشتاز اقتصاد در هر منطقه به شمار می‌رود (عسگری، ۱۹۳۱). سیاست‌گذاران اقتصادی واقع بین تر، توسعه‌ی بخش صنعت را به دلیل توجه به تأمین مایحتاج زندگی مردم و به دست آوردن رفاه اقتصادی بیشتر، به عنوان اهرم توسعه به کار گرفته‌اند. بدون شک شناخت اثرات سطح تمرکز بازار بر جنبه‌های عملکردی صنعت همانند بهره‌وری، سودآوری، سهم بازاری بنگاه‌ها، می‌تواند راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران اقتصادی کشور در بخش‌های گوناگون صنعت، برای تدوین و ارائه‌ی بسته‌های سیاستی قانون مند و منظم در جهت بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود بخش صنعت و حمایت کلان از این بخش شود (یوسفی حاجی آباد و خداداد کاشی ۱۳۹۲).

صنعت نساجی در کشورهای توسعه یافته از دیرباز نقش تعیین کننده‌ای در رشد و شکوفایی صنعتی آن‌ها ایفا نموده است؛ به گونه‌ای که این کشورها بخشی از موفقیت اقتصادی خود را مدیون گسترش این صنعت در مراحل اولیه‌ی صنعتی شدن می‌دانند (عزیزی و پاسبان، ۰۸۳۱). از سویی، این صنعت در ایران روزهای خوبی پشت سر نمیگذارد. بالا بودن قیمت تمام شده‌ی محصولات نسبت به کالاهای مشابه خارجی، فقدان دانش پیشرفته و ضعف فناوری، تأمین نقدینگی و سرمایه‌ی در گردش، بدهی صنعت گران به بانک‌ها، بالا بودن نرخ بهره، فرسوده بودن ماشین‌آلات، عقب افتادگی در زمینه‌ی مدسازی پوشاک، اتخاذ سیاست‌های تعرفه‌ای متغیر برای صادرات و واردات کالا، ضعف قوانین و مقررات تولید در کشور، کاهش بهره‌وری، رکود داخلی و نابسامانی فضای کسب و کار از جمله چالش‌ها و تنگناهایی هستند که امروزه صنعت گران در بخش نساجی ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند (خداداد کاشی و فیروزجنگ ۱۳۹۲).

2. ضرورت و اهمیت پژوهش

لباس و پوشاک که بعد از مواد غذایی، دومین نیاز اساسی بشر محسوب می‌شود، توسط فرایندهایی بر روی الیاف طبیعی و مصنوعی تهیه می‌شود که در کل صنعت نساجی را تشکیل می‌دهند (Ranganathan et al, 2007). این صنعت در جهان از موقعیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. صنعت نساجی یکی از پیچیده‌ترین صنایع تولیدکننده محسوب می‌شود؛ زیرا این صنعت یک بخش پراکنده و ناهمگونی است که از سازمان‌های متوسط و کوچک^۱ متنوعیت‌تشکیل شده است. بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان، نساجی را به عنوان یک صنعت کاربر^۲ (یعنی محیط کسب و کار به شدت به نیروی کار وابسته است) در نظر می‌گیرند که با استفاده از نیروی کار فراوان، توسعه یافته است و همچنان نیز نیروی کار نقش عمده‌ای در این صنعت ایفا می‌کند (Hasanbeigi et al, 2012).

ارزش تجارت جهانی نساجی و پوشاک بر اساس آخرین آمارهای منتشر شده ۳۵۶ میلیون دلار (۵/۷ درصد از کل تجارت جهانی) بوده است. این صنعت در ایران نیز قدمت دیرینه ای دارد. با توجه به این موضوع، سهم کشور ما در تجارت جهانی نساجی حدود ۰/۵۰ درصد و در صادرات جهانی پوشاک فقط ۰/۰۲ درصد است. همچنین میزان صادرات محصولات نساجی در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۲ درصد کاهش داشته است (از ارزش دلاری ۲۲۱۱۳۱۰۹۸ در سال ۲۹۳۱ به ۵۳۰۰۲۳۴۹۱ در سال ۳۹۳۱ رسیده است) و میزان واردات محصولات نساجی به کشور بدون احتساب ماشین آلات و رنگ (یعنی کالاهای مصرفی) ۸ درصد افزایش داشته است (از ارزش دلاری ۰۵۳۸۷۶۹۷۳ در سال ۲۹۳۱ به ۴۹۸۵۴۶۱۱۴ در سال ۳۹۳۱ رسیده است). در حالی که چین وضعیتی رسیده ایم، که در گذشته نه چندان دور از پنبه و سایر الیاف طبیعی گرفته تا نخ، پارچه و لباس در کشور با حفظ نام و اعتبار ایران تولید می شد و حتی حجم زیادی از آن ها به بازارهای خارجی صادر می گردید. اما در سال های اخیر شاهد ورشکستگی کارخانجات نساجی کشور، برآورده نشدن نیاز داخلی توسط تولیدات داخلی کشور و در نهایت ناتوانی در رقابت با تولیدات نساجی کشورهای دیگر بوده ایم (بختیاری ۱۳۹۱،؛ توکلی و دهقانی سانج، ۱۳۸۹؛ تشکری شاد، ۳۹۳۱).

3. جایگاه صنعت در ایران

حدود چهل سال پیش، روند صنعتی شدن در کشورمان آغاز شده است. این دوران، تقریباً هم زمان با شروع فرآیند توسعه صنعتی در کره جنوبی بود. هم اکنون درآمد سرانه ما، به رغم بهره گیری نسبتاً تعیین کننده از درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، کمی بیش از یک سوم درآمد سرانه ی این کشور است. بر اساس معیار ارزش افزوده، صنعت ما کوچک تر از یک دهم صنعت کشورهای کره و برزیل است. نکته ی بسیار مهم آن است که در ایجاد همین میزان محدود ارزش افزوده و صادرات، نقش بنگاه های دولتی کاملاً غالب و تعیین کننده است. بنگاه های کوچک و متوسط که عمدتاً در مالکیت بخش خصوصی هستند، نقش حاشیه ای در عملکرد صنعتی کشور دارند و یک درصد از بنگاه ها (با بیش از هزار نفر کارکن) حدود ۴۵ درصد ارزش افزوده ی صنعت را ایجاد می کنند (کریمی و ثاقب، ۸۸۳۱).

در دنیای معاصر، بخش صنعت به دلیل توانمندی در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال زایی از یک سو و تأمین ماشین آلات، تجهیزات و نیازهای سایر بخش های تولیدی و خدماتی از سوی دیگر، از اهمیت بسیار بالایی در رشد و

شکوفایی اقتصادی جوامع برخوردار است. به لحاظ چین جایگاهی است که کشورهای صنعتی و کشورهای تازه صنعتی شده به تقویت بنیان های صنعتی و اعمال سیاست های سازگار با رشد این بخش پرداخته اند. بدون تردید دستیابی به رشد و توسعه ی اقتصادی در میان کشورها همراه با برنامه ریزی های صنعتی و سیاست های مبتنی بر توان کشور در تولیدات صنعتی صورت پذیرفته است (معصوم زاده و تراب زاده ۱۳۸۳،).

استراتژی صنعتی در ایران با رویکردی حمایتی، منجر به عدم رشد پتانسیل ها در جامعه ی صنعتی کشور شده است. دنیای امروز و ضرورت توسعه ی صادرات برای کشوری مانند ایران، نیازمند مطالعه در خصوص رقابت پذیری به ویژه در عرصه صنایع تولیدی است. از سال های دور کشور ایران گام هایی را جهت توسعه صنعت برداشته است که بسیاری از آن ها به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی، بی نتیجه مانده و به رشد تولیدات صنعتی منجر نشده است. در عوض

بازارهای داخلی از انواع کالاهای وارداتی اشیاع و جانشین تولیدات صنعتی شد که در برنامه های پیشین ایجاد شده بوده اند و توانایی رقابت در عرصه ی بین المللی را نداشتند (هاشمیان اصفهانی، ۱۳۸۴). با آغاز انقلاب و پس از جنگ هشت ساله ی ایران، آسیب های زیادی به صنایع وارد شد و به تعویق افتادن تکمیل طرح های ناقص، شرایط اقتصادی را دشوار کرد. اگرچه بعد از انقلاب برنامه ای پنج ساله تهیه شده بود ولی جنگ مانع اجرای آن شد (یونیدو، ۱۳۸۴).

علی رغم تلاش هایی که برای توسعه ی صنعتی در ایران صورت گرفته است، سهم بخش صنعت در اقتصاد ایران از اهمیت زیادی برخوردار نیست. نسبت ارزش افزوده ی بخش صنعت به تولید ناخالص داخلی، مبین این امر است. اگرچه صنایع ایران از تنوع خوبی برخوردار شده اند، اما در مقیاس جهانی، کوچک و در بازارهای جهانی، غیررقابتی هستند. کمبود منابع سرمایه ای، بهره وری پایین سرمایه و نیروی کار و عدم توجه به مزایای نسبی هر بخش از جمله مشکلات کنونی بخش صنعت ایران محسوب می شوند (رحمان سرشت و صفاییان، ۱۳۹۰).

۴. صنعت نساجی

انواع تولیدات صنعت نساجی عبارتند از: نخ و الیاف، موکت، فرش، پتو، منسوجات نبافته، پارچه و پوشاک (بیاتی، ۱۳۸۹). با آغاز روند صنعتی شدن کشورها، وجود صنایع پراکنده، کوچک و بومی پوشاک، زمینه ای برای تجلی قدرت انبوه سازی پس از انقلاب صنعتی شد و اغلب کشورهای توسعه یافته امروزی به نوعی، روند مدرنیزاسیون صنعت را از صنعت نساجی آغاز نمودند. تجربه ی انگلستان به عنوان اولین کشوری که در آن انقلاب صنعتی رخ داد، گواه این مطلب است. صنعت نساجی انگلستان موجب مکانیزه شدن این صنعت در اروپا نیز گشت و راز مکانیزه شدن بین این کشور و سایر کشورهای اروپایی باقی ماند و حتی از خروج کارگران ماهر و آموزش دیده به خارج از کشور، جلوگیری به عمل آمد (Filatotchev & Toms, 2003). این کشور برای سالیان متمادی بزرگترین تولید کننده منسوجات جهان بود و تا پنجاه سال پیش، استیلای این کشور بر بازار جهانی پارچه سایه افکنده بود. پس از انگلستان بسیاری از

کشورها که آهنگ توسعه ی اقتصادی سر دادند در مقطعی، در گام های نخست، این صنعت را محور قرار دادند. کشورهای نظیر ژاپن، کره و چین در شاخه های مختلف صنعت نساجی به مزیت آفرینی پرداخته و در رشد و توسعه اقتصادی خود از آن بهره گرفتند (ایرانمنش، ۱۳۸۰).

در حال حاضر نیز کشورهای نظیر ترکیه، هند، پاکستان، اندونزی، مصر و غیره، سعی در استفاده از این صنعت برای صنعتی شدن جامعه خویش دارند و این در حالی است که کشورهای پیشرفته صنعتی، به تدریج فعالیت نساجی خود را منحصر به صنایع مادر و تمرکز در شاخه هایی از صنعت نساجی نموده اند که دارای ارزش افزوده ی بالا است و این فرصت را هم برای کشورهای، کمتر توسعه یافته فراهم آورده اند که با تکیه بر نیروی کار ارزان، منابع انرژی و غیره، صنعت کارگر نساجی را به راحتی در ابعاد جهانی در اختیار گیرند.

۴-۱. وضعیت تجارت جهانی صنعت نساجی

طی چند سال اخیر کشورهای چین، اتحادیه اروپا و هند به ترتیب رتبه های اول تا سوم صادرات جهانی محصولات نساجی را به خود اختصاص داده اند. در مقابل کشورهای اتحادیه ی اروپا، چین و آمریکا بزرگترین واردکننده ی

محصولات نساجی محسوب می شوند. در جدول های (۱) و (۲) به ترتیب آمار جهانی صادرات و واردات محصولات نساجی محصولات نساجی تشریح شده است:

جدول (۱): وضعیت جهانی صادرات محصولات نساجی (WTO, 2013)

ارزش به تفکیک سال ها (میلیون دلار)				کشور	ردیف
۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۰		
۱۰۶۰۱۷	۱۰۵۷۴۴	۸۸۲۳۲	۲۹۸۴۷	چین	۱
۶۹۳۶۶	۷۶۹۵۹	۶۷۸۸۱	۵۶۷۳۷	اتحادیه اروپا	۲
۱۵۲۷۴	۱۵۳۴۰	۱۲۸۳۳	۵۵۹۳	هند	۳
۱۳۴۸۵	۱۳۷۹۱	۱۲۱۶۹	۱۰۹۵۲	آمریکا	۴
۱۱۰۵۴	۱۰۷۷۲	۸۹۶۴	۳۶۷۲	ترکیه	۵
۱۱۹۷۰	۱۲۳۶۹	۱۰۹۶۸	۱۲۷۱۰	کره جنوبی	۶
۸۷۰۵	۹۰۸۲	۷۸۴۸	۴۵۳۲	پاکستان	۷
۷۸۱۹	۸۰۳۴	۷۰۸۶	۶۹۹۴	ژاپن	۸
۴۵۴۱	۴۷۹۱	۴۱۴۴	۳۵۰۵	اندولزی	۹
۴۱۱۷	۳۷۷۰	۳۰۶۱	۲۹۹	ویتنام	۱۰
۱۰۹۷	۹۳۹	۹۹۳	۷۶۶	ایران	۱۱

جدول (۲): وضعیت جهانی واردات محصولات نساجی (WTO, 2013)

ارزش به تفکیک سال ها (میلیون دلار)				کشور	ردیف
۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۰		
۷۴۱۱۸	۸۴۶۰۶	۷۳۹۴۴	۵۷۴۴۵	اتحادیه اروپا	۱
۳۰۲۴۰	۳۰۰۳۳	۲۹۰۴۶	۲۷۴۵۴	چین	۲
۲۵۹۵۶	۲۵۳۵۹	۲۳۳۷۵	۱۵۹۸۵	آمریکا	۳
۹۰۱۳	۹۱۹۵	۷۱۹۶	۴۹۳۴	ژاپن	۴
۹۱۹۵	۸۷۰۲	۷۰۴۲	۱۳۷۹	ویتنام	۵

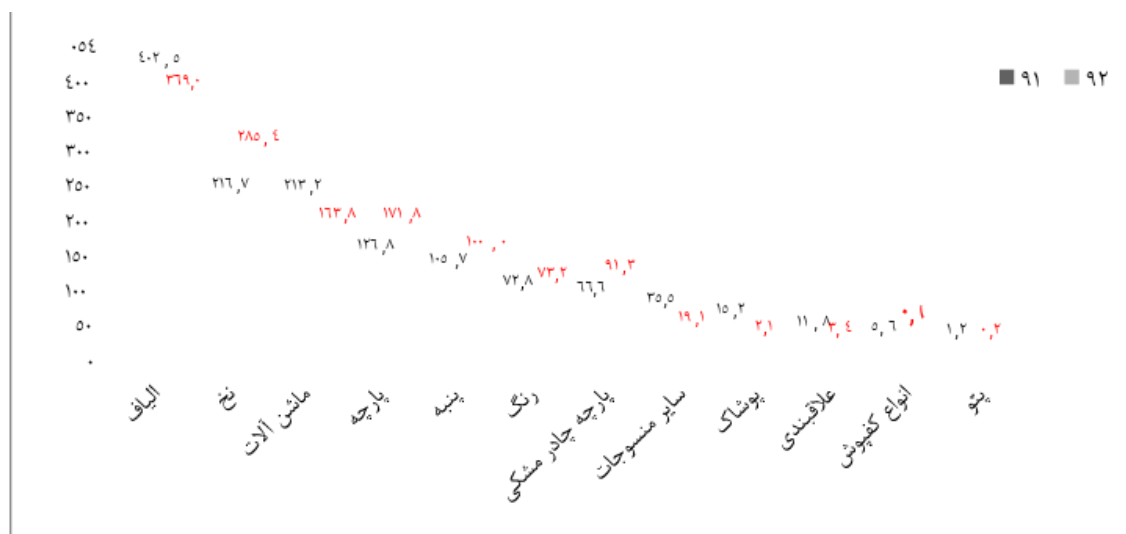
۶	ترکیه	۲۱۲۴	۶۵۴۰	۷۵۵۷	۶۴۴۱
۷	مکزیک	۵۸۲۲	۵۱۵۰	۵۸۵۹	۶۰۰۳
۸	بنگلادش	۱۳۵۰	۴۴۷۱	۵۵۶۲	۵۸۴۰
۹	اندونزی	۱۲۵۱	۴۲۱۶	۵۶۵۴	۵۵۷۰
۱۰	کانادا	۴۱۲۶	۴۱۵۰	۴۵۰۲	۴۵۹۱
۱۱	ایران	۲۹۸	۶۰۳	۶۹۳	۶۵۴

۲-۴. صنعت نساجی ایران

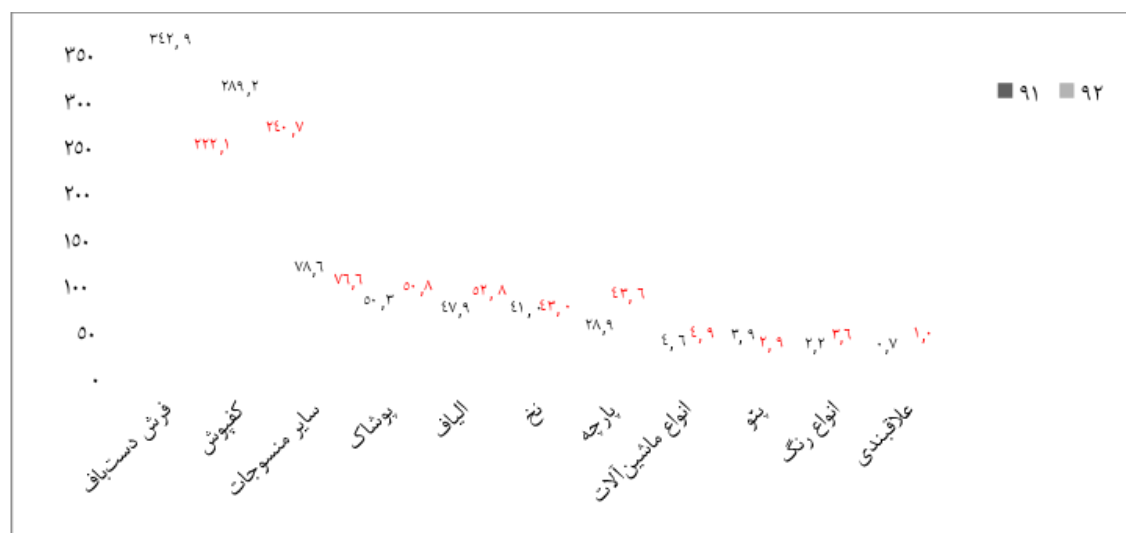
صنایع نساجی و پوشاک از قدیمی ترین صنایع موجود در ایران است که با پشتوانه همین قدمت طولانی و بالا بودن نرخ ارزش افزوده، حجم انبوه سرمایه گذاری و تجربه ی نیروی انسانی و ارتباط با دیگر صنایع می توانست نقش مهمی برای توسعه ی صنعتی پایدار ایفا کند. با وجود یک بازار چند صد میلیارد دلاری برای تجارت منسوجات و پوشاک در جهان می توان گفت، صنایع نساجی و پوشاک ایران می توانست در معرض رقابت فشرده ای برای کسب سهم بیشتری در بازارهای جهانی قرار گیرد، اما در سال های اخیر صنعت نساجی در ایران شاهد بحران و رکود بوده است (خداداد کاشی و فیروزجنگ، ۲۹۳۱).

صنعت نساجی و پوشاک ایران طی سال های اخیر به دلایل مختلفی دچار نوساناتی در بازار و تولید خود شده است؛ به طوری که حتی برخی از شرکت ها و کارخانجات بزرگ با رکود مواجه شده و تا آستانه ی ورشکستگی پیش رفته اند. بهره گیری از ماشین آلات کهنه و منسوخ شده، عدم توسعه و نوسازی به موقع و مناسب، واردات بی رویه، کمبود نقدینگی و قاچاق کالا به همراه برخی از مشکلات مربوط به قوانین بیمه و مالیات از عمده معضلاتی است که سر راه صنعت نساجی ایران قرار گرفته است. متأسفانه علی رغم مزیت های بالقوه فراوان این صنعت نظیر اشتغال زایی بالا، نیاز به سرمایه گذاری کم، ارزش افزوده بالایی محصولات نساجی و پوشاک و غیره و همچنین فرصت های بسیار این صنعت در ایران مانند تعداد قابل توجه افراد تحصیل کرده و آماده به کار در این رشته، وجود منابع اولیه ای مثل پنبه و محصولات پتروشیمی در کشور، دسترسی به جمعیت زیاد منطقه جهت بازار خارجی محصولات و غیره، در حال حاضر این صنعت از جایگاه والایی، آنچنان که شایسته آن است و در سال های پیشین نیز در آن قرار داشت، برخوردار نیست. عدم حمایت کافی دولت از این صنعت و عدم انجام سرمایه گذاری مناسب در آن، وجود تحریم ها و فقدان ارتباط با بازارهای جهانی، پایین بودن کیفیت برخی از محصولات در مقایسه یا رقابتی خارجی، قیمت تمام شده بالاتر، عدم نوسازی به هنگام ماشین آلات، عدم استفاده صحیح از تکنولوژی روز دنیا و مواردی از این دست، از جمله دلایل وضعیت کنونی صنعت نساجی و پوشاک کشور می باشد و این اتفاق برای کشوری که دارای پیشینه ی چند هزار ساله در صنعت نساجی و پوشاک است، به سان حادثه ای تلخ و مرگی ناگوار می ماند (ابراهیمی، ۰۹۳۱).

ارزش صادرات صنایع نساجی و پوشاک ایران در نه ماهه نخست سال ۱۳۹۲، ۴/۵۱۱٪ میلیون دلار بوده که کاهش حدود ۵ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می دهد. همچنین، ارزش صادرات صنایع نساجی ۷۴۲/۱ دلار برآورد شده که با این معیار نیز ۱۶ درصد کاهش نشان می دهد (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲).



نمودار (۱): وضعیت واردات محصولات نساجی ایران (میلیون دلار) (گزارش، ۱۳۹۳)



نمودار (۲): وضعیت صادرات محصولات نساجی ایران (میلیون دلار) (گزارش، ۱۳۹۳)

در نه ماهه نخست سال ۲۹۳۱، انواع کفپوش با ۲۴۰/۷ میلیون دلار و فرش دستباف با ۲۲۲ میلیون دلار، بیشترین ارزش صادرات نساجی ایران را به خود اختصاص داده اند؛ با این حال، ۷۱ درصد از ارزش صادرات کفپوش و ۳۵ درصد از ارزش صادرات فرش دستباف ایران در مقایسه مدت مشابه سال قبل کاسته شده است. همچنین انواع یلیاف

سومین محصول صادراتی صنعت نساجی کشور بوده به طوری ارزش صادرات آن با ۱۰ درصد رشد به ۵۲/۹ میلیون دلار رسیده است. بر اساس آمار، روند صعودی صادرات پارچه ایران ادامه دارد؛ در نه ماه اول سال ۲۹ صادرات انواع پارچه بیشترین رشد را در بین دیگر اقلام نساجی داشته به طوری که این محصول نساجی با صادراتی به ارزش ۴۳/۶ میلیون دلار، رشد ۲۵ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ثبت رسانده است. در بخش پوشاک نیز صادرکنندگان عملکرد پایداری از خود بر جای گذاشته اند و همچون نه ماهه اول سال ۹۱، حدود ۵۰ میلیون دلار صادرات داشته اند. در عین حال، بعد از فرش دستباف که با کاهش ۳۵ درصدی ارزش صادرات مواجه بوده، صادرات پتو نیز با ۶۲ درصد افت، بیشترین کاهش را در بین تمام اقلام صادراتی نساجی، تجربه کرده است. از سوی دیگر، ارزش واردات صنایع نساجی و پوشاک کشور در نه ماهه اول سال ۹۲ بدون احتساب رنگ و ماشین آلات یک میلیارد و ۳۴ میلیون دلار بوده که افزایش حدود ۶ درصدی را نسبت به نه ماهه اول سال ۹۱ نشان می دهد. افزایش ارزش واردات بعد از چندین ماه روند نزولی، می تواند نشان دهنده مستهلک شدن تدریجی اثر افزایش نرخ ارز بر واردات و همچنین لغو پاره ای از ممنوعیتهای اعمال شده برای واردات باشد. همچنین با احتساب رنگ، مواد تکمیلی ماشین آلات، ارزش واردات صنایع نساجی نزدیک به ۱/۳ میلیارد دلار بوده که مبین رشد ۰/۵ درصدی است.

در بین انواع منسوجات، انواع الیاف با ۹۶۳ میلیون دلار، همچنان بیشترین سهم را از واردات نساجی کشور به خود اختصاص داده و بعد از آن، انواع نخ با ۲۸۵ میلیون دلار، پارچه با ۲۷۱ میلیون دلار، پنبه با ۰۰۱ میلیون دلار و پارچه چادر مشکی با ۱۹ میلیون دلار، در رده های بعدی کالاهای وارداتی صنایع نساجی قرار دارند. در بین تمام اقلام نساجی، صادرات کفپوش، پوشاک و پتو به ترتیب با ۸۹، ۸۶، و ۲۸ درصد کاهش، بیشترین افت را در نه ماهه اول سال ۲۹ داشته است (گزارش، ۳۹۳۱).

۲-۲-۴. نقش صنعت نساجی در اقتصاد کنونی کشور

نقش نساجی و پوشاک در اقتصاد کشور را می توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد. از یک سو نیاز به سرمایه گذاری کمتر در این صنعت به نسبت اکثر صنایع دیگر به همراه اشتغال زایی بالایی آن که می تواند نقش مهمی در حل مشکلات بیکاری در کشور داشته باشد و از سوی دیگر، ارزش افزوده بالایی ایجاد شده در این صنعت نیز به معنای تأثیر مثبت آن در بهبود اقتصاد کشور تلقی می شود. در غیر این صورت، افزایش واردات محصولات نساجی مورد نیاز جامعه، صادرات کم این محصولات و ارزآوری محدود آن، افزایش قاچاق و هزینه بالایی تولید تأثیرات نامطلوبی در اقتصاد کشور بر جای می گذارد (حائری و تشکری شاد، ۱۳۹۲).

۳-۲-۴. حمایت های دولتی و صنعت نساجی

صنایع نساجی همواره به عنوان یکی از صنایع دارای مزیت فوق العاده، اشتغال زا و پربازده شناخته می شود که مرحله نهایی این تولیدات یعنی منسوجات خانگی و پوشاک که در اختیار مصرف کنندگان قرار می گیرد، دارای بیشترین ارزش افزوده در زنجیره تأمین و توزیع این صنعت مهم و استراتژیک می باشد.

ضمن این که میزان اشتغال زایی این صنعت در صورت حمایت دولت، پنج برابر بیش از سایر صنایع است. متأسفانه مسئولان و متوالیان کشور به صنعت نساجی توجه چندانی نداشته و وابستگی عمده کشور به درآمدهای نفتی و تعبیر سران کشور از صنعتی شدن، اغلب پیشرفت صنایع خودروسازی می باشد؛ در صورتی که این صنعت نیاز اساسی تمام انسان ها به پوشاک را برطرف کرده و کلیه افراد جامعه نوعی نیازمند محصولات صنایع نساجی هستند.

از این رو، این صنعت برای حفظ بقای خود نیازمند توجه و حمایت بیشتر از سوی دولت است. منظور از حمایت نیز صرفاً اعطای وام و تزریق منابع مالی نیست، بلکه مهمترین حمایت دولت، می تواند کنار گذاشتن مانع تراشی و تصویب قوانین و مقررات دست و پاگیر برای تولید کنندگان باشد؛ همچنین باید از واردات بی رویه ی منسوجات به کشور جلوگیری شده تا بازار داخل تزریق پیدا کند. در صورت کنترل مرزها و ممانعت از واردات، تولید کنندگان نیز ملزم به ارتقای کیفیت محصولات خواهد شد. به علاوه، واردات از کشورهای دیگر اغلب همراه با دامپینگ است که مسئولان ما به این امر بی توجه هستند. زمانی که کیفیت، تنوع و قیمت تولیدات داخلی قابل رقابت با نمونه خارجی شود، اغلب مصرف کنندگان ترجیح می دهند تولیدات داخلی را خریداری نمایند.

نکته دیگر مربوط به لوازم و قطعات یدکی دستگاه ها و ماشین آلات کارخانه ها می باشد. به هر حال تمام ماشین آلات تولیدی در طول کار با مشکلاتی مواجه می شوند که به دلیل گرانی نرخ دلار و یورو، واردات قطعات مورد نیاز از کشورهای خارجی (به خصوص آلمان و سوئیس که کیفیت بسیار مطلوبی دارند)، دشوار است. ضمن این که به دلیل عدم دسترسی به مواد اولیه با کیفیت و نیز گرانی سرسام آور آن، امکان تولید محصولات جدید وجود ندارد.

در نهایت، مراعات حال تولیدکنندگان در مورد مسائلی همچون صدور کارت بازرگانی، دریافت وام، مسائل تأمین اجتماعی و نیز ارائه تخفیف در زمینه اخذ مالیات، عوارض، همکاری در مورد تعرفه های گمرک و حمایت در زمینه سرمایه در گردش یا تهیه مواد اولیه میتواند در افزایش حمایت دولت از صنعت نساجی و بهبود وضعیت آن مؤثر باشد.

در حال حاضر، می توان کاهش اخیر درآمدهای حاصل از صادرات نفتی را نه یک تهدید، بلکه فرصتی مناسب برای شکوفایی پتانسیل کشور در توسعه صنعت نساجی و پوشاک دانست. کشور ایران نباید از سایر کشورهای پیشرفته در این صنعت الگو گرفته و همانند آن ها ابتدا صنعت نساجی خود را رونق بخشیده و سپس وارد سایر فازهای صنعتی گردد (نیازخانی، ۲۹۳۱).

۴-۲-۴. نقش صنعت نساجی در توسعه صنعتی کشور

شاید بتوان گفت صنعت نساجی از بزرگترین و بااهمیت ترین صنایع جهان است و با گردش مالی فوق العاده بالای خود مورد توجه بسیاری از کشورها و اقتصادهای بزرگ دنیا است. فعالیت های نساجی به عنوان یک صنعت پیشگام در فرآیند صنعتی شدن بسیاری از کشورهای توسعه یافته کنونی و تا پیش از گام نهادن آن ها به مرحله فراصنعتی نقشی اساسی داشته است. انقلاب صنعتی اروپا و تجربه جهش صنعتی بسیاری از کشورها، وامدار صنعت نساجی است.

صنعت نساجی همواره به عنوان رکن اساسی هر جامعه ای محسوب می شود؛ زیرا که نیاز به پوشاک، انواع کفپوش ها، کیف و کفش و غیره از نیازهای اساسی هر فرد است. به جرئت می توان صنعت نساجی به جهت این که یک صنعت کارگرم است، نقش بسزایی در ثبات و امنیت جامعه ایفا می کند و سرمایه گذاری در آن یکی از راهکارهای مفید کشورها برای مبارزه با بیکاری است. از این رو، رونق صنایع نساجی می تواند جلوی بسیاری از آشوب ها و ناآرامی های

کارگري و اجتماعي را بگيرد و برعکس، عدم توجه به آن می تواند باعث افزايش بيکاري و سرانجام افزايش ناآرامي هاي اجتماعي باشد(رضی پور ۱۳۹۱).

نخستين گام هاي صنعتی شدن در ايران به پيروي از بسياري از كشورهاي صنعتی دنيا با راه اندازي كارخانجات نساجی همراه بود و اين كارخانجات با اشتغال گسترده كارگران توانستند اولين چرخ هاي اقتصاد صنعت كشور را به حركت درآورند. در رابطه با اشتغال نيز صنعت نساجی با اشتغال مستقيم بالغ بر ۲۹۷ هزار نفر درصد قابل توجهی از اشتغال واحدهاي تحت پوشش وزارت صنعت، معدن و تجارت را تشكيل می دهد. اما متأسفانه طی سال هاي اخير، اين صنعت به يك فعاليت درجه دو تنزل يافته و حتی در سند راهبردي صنعت، معدن و تجارت نيز كه در فروردين ماه سال ۱۹ رونمايي شد، اين صنعت با عنوان فعاليتی در درجه و اهميت دوم تعريف شده است(نيازخانی، ۱۳۹۲). برنامه راهبردي صنعت، معدن و تجارت كه در فروردين ماه سال ۲۹۳۱ توسط رياست جمهوري رونمايي گرديد، شامل وضعيت(جایی كه هستيم)، اهداف (جایی كه بايد برويم) و راهبردها (مسيري كه بايد طی كنيم) می باشد.

برنامه يادشده پس از بررسی رشته هاي مختلق صنعتی از جنبه هاي مختلف به ويژه قدرت ارزآوری از طريق صادرات و ارزش افزوده توليدي آن ها، صنايع نساجی و پوشاك را در گروه دوم اولويت هاي توليدي قرار داده و در مورد آن عنوان کرده است كه: «هر چند صادرات كشور در منسوجات نسبتاً خوب است اما اين رشته فعاليت سهم قابل توجهی در ارزش افزوده كشورهاي پيشرو(به لحاظ اقتصادي) نداشته و همچنين ميانگين جهانی رشد ارزش افزوده اين رشته فعاليت بسيار اندك است. منسوجات سهم پايینی در تجارت بين المللی داشته و محصولاتی با سطح فناوري پايين محسوب می شود. البته منسوجات به عنوان مواد اوليه در بسياري از رشته فعاليت ها استفاده می شوند و نسبت سرمايه گذاري به اشتغال آن ها نسبتاً بالاست. بنابراين اين رشته فعاليت در گروه دوم اولويت هاي توليد قرار می گيرد. رشته فعاليت هاي پوشاك و عمل آوري پوست خز و دباغی، چرم، چمدان و كفش نيز وضعيتی مشابه ساخت منسوجات دارند و بنابراين در گروه دوم اولويت هاي توليد قرار می گيرند.» در خصوص اين نتيجه گيري ذكر چند نکته الزامی است. نخست آنكه، در نظر گرفتن سهم ارزش افزوده صنايع نساجی و پوشاك از ارزش افزوده توليدي كشورهاي پيشرفت هي صنعتی و نرخ رشد آن در اين كشورها براي برنامه ي راهبردي صنعت، معدن و تجارت ايران چندان منطقی نمی باشد. بسياري از كشورهاي صنعتی نيز فاز اول صنعتی شدن خود را از صنايعی همچون صنايع نساجی و پوشاك آغاز کرده و پس از استحكام سازي زيرساخت هاي لازم توليدات اين صنعت را به كشورهاي در حال توسعه برون سپاري کرده و هم اكنون تمرکز خود را بر روي صنايع با تكنولوژی بالاتر قرار داده اند. لذا بهتر است براي چشم انداز سال ۴۰۴۱ كه شايد گام اول براي توسعه صنعتی در ايران باشد، خود را با كشورهايی در رده هاي پايين تر از كشورهاي پيشرفته مقايسه كنيم.

نكته دوم در خصوص اين نتيجه گيري آن است كه تعيين اولويت هاي توليد با در نظر گرفتن اولويت هاي صادراتی نيز چندان توجه پذير نيست. حال آن كه امكان خودكفايي در توليدات، اشتغال زايبی و همچنين امكان رقابت محصول در بازارهاي داخلی و خارجی در محاسبات برنامه راهبردي صنعت، معدن و تجارت براي تعيين اولويت هاي توليدي كشور لحاظ نشده است. علاوه بر اين، تأمين نيازهاي داخلی به منزله جلوگيري از خروج ارز از كشور بوده و به لحاظ اهميت اقتصادي هم تراز با ارزآوری می باشد.

اشاره به اين نكته لازم است كه در اين برنامه، مواردی همچون توليد خودرو و ساعت در اولويت اول صادرات

قرار گرفته اند که با وجود صنایع پر قدرت، با سابقه و خوشنام اروپایی و آمریکایی در این زمینه، امکان رقابت محصولات ایرانی در این قبیل رشته ها در بازارهای جهانی دور از واقعیت است. با در نظر گرفتن ارزش افزوده تولیدی در صنایع نساجی و پوشاک، اشتغال زایی این صنایع، نسبت پایین سرمایه گذاری به اشتغال در این صنایع (به ویژه در تولید پوشاک)، قابلیت تولید محصولات با کیفیت و قابل رقابت در بازارهای داخلی و خارجی، انجمن صنایع نساجی ایران اعتقاد دارد که تولید این محصولات می تواند در اولویت اول صنعتی کشور قرار گرفته و مسئولین امر حمایت های لازم جهت توسعه تولید و صادرات آن را به عمل آورند تا ضمن مرتفع کردن نیاز داخلی و خودکفایی در تولید این محصولات، بتواند سهم مناسب و درخور اعتنایی از بازارهای جهانی را به خود اختصاص دهد (تشکری شاد و فرزندی، ۱۳۹۲)

۴-۲-۵. عمده ترین محدودیت های توسعه در صنعت نساجی

صنایع نساجی از مجموعه ای از شاخص های کلی تبعیت می کنند که با مشکلات حاد روبه رو شده و بیش از چهار درصد از ماشین آلات موجود در سیستم های پنبه ای و فاستونی که دو رشته بزرگ و مهم در صنعت نساجی محسوب می شود قدمتی بیش از ۳۰ سال دارند. نرخ بهره برداری در اغلب کارخانه های قدیمی ۵۴ درصد بود، که رقم بسیار بالایی است و در بعضی از کارخانه ها این راندمان کمتر از ۰۵ درصد گزارش شده است. مجموعه این شرایط موجب شد تا این صنعت دچار بحران شود. ریشه این بحران در بررسی های کارشناسی عبارت بودند از (هدایتی درفولی، ۱۳۸۷)

- پائین بودن کیفیت محصولات، بی توجهی به بازار رقابتی و تلاش در جهت بالا بردن کیفیت محصولات؛
- دولتی و تحت پوشش بودن مالکیت ۴۵ درصد از بنگاه های بزرگ در سیستم ریسندگی و بافندگی؛
- سنتی بودن فعالیت های نساجی، پایین بودن راندمان ماشین آلات و ضریب مکانیزاسیون آن ها؛
- فرسودگی ماشین آلات نساجی و توسعه نیافتگی در بخش صنعت متناسب با ظرفیت های طبیعی، انسانی، تولیدی و نیازها؛
- عدم سرمایه گذاری مناسب و کافی در بخش های زیربنایی (انرژی، راه و مخابرات)؛
- ضعف زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری (حمل و نقل، نگهداری و ذخیره، بسته بندی، بازاریابی و غیره)؛
- پایین بودن درآمد سرانه و بالابودن نرخ بیکاری؛
- ضعف مدیریت در واحدهای قدیمی صنایع نساجی و بی توجهی به بازار رقابتی در اداره و فعالیت این گونه واحدها؛

۵. پیشینه ی پژوهش

نظري و بازرگانی کیا (۳۸۳۱) در تحقیق خود نشان دادند که جهانی شدن اقتصاد، می تواند اثراتی منفی بر کارایی فنی و صادرات صنایع نساجی، پوشاک و چرم داشته باشد. آن ها با بررسی روند دو متغیر معیار سطح تجارت بین المللی ۱ و معیار ادغام تجارت بین المللی ۲ و نتایج توابع اقتصادسنجی برازش شده، بیان می کنند که صنایع نساجی، پوشاک و چرم، هنوز در روند مثبت جهانی شدن قرار نگرفته اند و این صنایع در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مشکل خواهند داشت.

رحیمی بروجردی (۵۸۳۱)، تحقیقی را با عنوان «رابطه میان رشد اقتصادي و تجارت در بخش صنعت(مواد نساجی و پوشاک)» انجام داد. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که صنعت نساجی و پوشاک و صنعت کفش و کلاه در ایران وضعیت نابسامانی را پشت سر می گذارند. همچنین آن ها در تحقیق خود نشان دادند که تنها عوامل توليدي قادر به بهبود ارزش افزوده ي این دو صنعت مورد مطالعه هستند، و کارایی نقش قابل توجهی در افزایش ارزش افزوده این صنایع ندارد.

بیاتی (۱۳۸۹) مطالعه‌های را در خصوص آمار و اطلاعات توليدي واحدهای عضو انجمن صنایع نساجی ایران و مشکلات آن ها، انجام داد. نتایج نشان داد که دلایل کاهش توليد واحدهای بررسی شده، به ترتیب عبارتند از:

۱) کمبود نقدینگی؛ ۲) نبود خریدار کافی و کاهش تقاضا؛ ۳) گرانی و کمبود مواد اولیه؛ ۴) واردات بی رویه ي محصولات مشابه؛ ۵) رکود اقتصادي؛ ۶) افزایش هزینه ي کارگري و بالا رفتن قیمت تمام شده؛ ۷) عدم امنیت وصول چک.

نتایج تحقیق توکلی و دهقانی سانيج (۱۳۸۹) حاکی از آن است که کیفیت محصولات و نگرش راهبردي شرکت ها جهت حضور در بازارهاي جهانی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه ي صادرات محصولات نساجی استان یزد می باشد.

دفتر مطالعات آماری و راهبردي صنعت نساجی (۱۳۸۹) طی مطالعه اي مشکلات و تنگناهاي واحدهای توليدي

صنایع نساجی کشور و راه حل های پیشنهادی را ارائه نموده است که گزیده ای از آن ها در جدول (۲-۴) تشریح شده است:

Level of International Trade (LIT) ¹
Integration of International Trade (IIT) ²

جدول (۲-۴): مشکلات و تنگناهای واحدهای تولیدی صنایع نساجی کشور و راه حل های پیشنهادی

ردیف	مشکلات و تنگناها	راه حل های پیشنهادی
۱	مشکلات ناشی از تشدید تحریم های بین المللی علیه ایران از جمله عدم گشایش اعتبارات اسنادی از طریق سیستم بانکی برای واردات ماشین آلات، مواد اولیه و صادرات کالاهای نهایی.	تلاش جهت رسیدن به خودکفایی صنعتی و کشاورزی و تسهیل ورود مواد اولیه مورد نیاز صنایع و حل مشکل نقل و انتقال پول.
۲	عدم عرضه مناسب مواد اولیه پتروشیمی توسط شرکت های پتروشیمی دولتی و غیردولتی.	الزام شرکت های پتروشیمی به تأمین مواد اولیه پتروشیمی مورد نیاز واحدهای تولیدی صنایع نساجی.
۳	افزایش قیمت تمام شده کالا با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها و آزادسازی قیمت حامل های انرژی.	حمایت وزارت صنایع و معادن از واحدهای تولیدی با رویکرد جبران افزایش هزینه های تولید.
۴	اجرای ناقص و تبعیض آمیز قانون مالیات بر ارزش افزوده به ضرر تولیدکنندگان داخل.	اجرای کامل و بدون تبعیض قانون مالیات بر ارزش افزوده و دریافت سه درصد مالیات موضوع این قانون از مصرف کننده نهایی و نه تولیدکننده کالا.
۵	پدیده شوم قاچاق منسوجات به داخل کشور و کم اظهاری در گمرکات رسمی و مبادی ورودی.	مبارزه قاطع با پدیده های قاچاق و کم اظهاری با هماهنگی کلیه دستگاه های ذی ربط و تشکل های صنفی و با روش های اقتصادی و نه صرفاً امنیتی و

قضای و از بین بردن زمینه های فرهنگی و اقتصادی آن و تعیین نرخ پایه وارداتی.		
ساماندهی تعطیلات رسمی کشور با رویکرد کاهش آن و جلوگیری از تعطیلات ناگهانی در کشور به منظور افزایش بهره وری.	تعطیلات سالیانه زیاد و هم چنین تعطیلات ناگهانی خارج از تقویم رسمی کشور توسط دولت.	۶
اجرای سیاست های اقتصاد آزاد و الزام دولت در تحقق آن.	عدم وجود بازار مبتنی بر عرضه و تقاضای آزاد در داخل کشور.	۷
اطلاع رسانی شفاف، یکسان، هم زمان و مبتنی بر عدالت به تمامی فعالان بخش های اقتصادی اعم از دولتی و غیردولتی.	وجود رانت های اطلاعاتی.	۸

صادقی و همکاران (۰۹۳۱) پژوهشی را با عنوان «بررسی توان رقابتی صنایع نساجی استان یزد» انجام دادند. یافته ها حاکی از آن بود که توان رقابتی بین المللی صنایع نساجی استان یزد کمتر از توان رقابتی داخلی آن است. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق کارخانه هایی که بر اساس موجودی سرمایه خود از تمام ظرفیت های خود استفاده نکرده اند دارای توان رقابتی پایینی هستند و هنگامی که قیمت های انرژی بر اساس قیمت های بین المللی تعدیل می شوند، اکثر کارخانه هایی که فناوری قدیمی تری دارند، توان رقابتی خود را از دست می دهند.

در مقاله ای با عنوان «بررسی مشکلات صنعت نساجی (پارچه بافی) در ایران و اقدامات صورت گرفته توسط کشورهای پیشرو در این صنعت» که توسط روشن و بختیاری (۱۳۹۰) انجام شد، تحلیل مناسبی از صنعت نساجی ایران ارائه گردید. اهم مشکلات پیش روی صنعت نساجی ایران که در این تحقیق شناسایی شدند عبارتند از:

1. قاچاق منسوجات به داخل کشور؛
2. عدم امکان تأمین مواد اولیه با کیفیت مطلوب و قیمت ارزان؛
3. مشکلات ناشی از ضوابط سازمان تأمین اجتماعی؛
4. عدم پرداخت به موقع یارانه های صادراتی؛
5. افزایش قیمت تمام شده محصولات؛
6. مستهلک بودن ماشین آلات تولید در تعدادی از واحدهای تولیدی.

دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی (۱۳۹۰) جزوه ای را منتشر کرد که در آن مجموعه ای از مشکلاتی که صنعتگران صنایع نساجی و پوشاک کشور در یک دوره زمانی خاص (نیمه نخست سال ۱۳۹۰) با آن دست به گریبان بوده اند، بررسی شده است. در این مطالعه مشکلات موجود در سه گروه اصلی دسته بندی شده اند که عبارتند از:

الف) مواردی که قانون به درستی اجرا نمی گردد.

2) مواردی که قانون یا مصوبه نیاز به بازنگری دارد.

3) مواردی که نیاز به قانون گذاری دارند.

ابویی اردکان و معتمدی (۱۹۳۱)، عوامل بازدارنده و پیشران در مسیر رشد و توسعه خوشه نساجی استان یزد را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج این پژوهش نشان داد که ۱۴ مورد به عنوان عامل پیش برنده و ۵۲ مورد به عنوان عامل بازدارنده در جهت رشد و توسعه این خوشه عمل می کنند. برخی از اهم عوامل پیش برنده عبارتند از:

1. حضور بافندگان ماهر و متحیر در خوشه با توجه به قدرت بخش بافندگی؛

2. دسترسی آسان به مواد اولیه بافندگی؛

3. رشد متناسب زیرساخت های فیزیکی لازم برای توسعه.

همچنین برخی از اهم عوامل بازدارنده در مسیر رشد و توسعه ی خوشه ی نساجی عبارتند از:

1. سطح پایین نیروی انسانی موجود از نظر مهارت و تخصص های مورد نیاز، به طور عمده در بخش های مدیریت، فنی، طراحی، ریسندگی، تکمیل و فروش؛

2. عدم دسترسی به انرژی و نیروی کار ارزان تولید و مواد اولیه ریسندگی در منطقه؛

3. کیفیت و قیمت بسیار متغیر اکثر مواد اولیه و کمکی صنعت به دلیل نیاز به تأمین این مواد از خارج از استان یا کشور.

سعید و صیادی تورانلو در تحقیقی که در سال ۱۳۹۱ انجام شد، عوامل مؤثر بر توسعه صادرات صنایع نساجی استان یزد را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. اولویت بندی این عوامل به ترتیب از بیشترین اهمیت به کمترین، به شرح زیر بوده است:

کیفیت محصولات، نگرش راهبردی مدیریت، مواد اولیه، تکنولوژی، دانش مدیریت، شدت رقابت، تحقیقات بازاریابی، پیشبرد فروش، نوسانات غیرمنتظره، تبلیغات، صنایع مرتبط، زیرساخت ها، منابع مالی، نقش دولت، دانش علمی و تخصصی.

درون پرور و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «بررسی بازار تجاری محصولات صنایع پوشاک و نساجی ایران» انجام دادند. این پژوهش از جنبه های گوناگون دارای نتایجی بوده است که عبارتند از:

- نتایج اثر کالایی نشان داد عمده ترین کشورهای واردکننده محصولات کشور را کشورهای تشکلی می دهند

که کمترین فاصله جغرافیایی را با ایران داشته و یا عضو اتحادیه تجاری با کشور بوده اند. از سوی دیگر، بیشتر زیربخش های صنعتی مرتبط با پوشاک و نساجی حضور فعالی در بازارهای عراق، افغانستان و آسیا میانه داشته که ساختار تولید آن ها ضعیف و بازار آن ها تا حدودی متزلزل به نظر می رسد.

- با توجه به محاسبات صورت گرفته پیرامون اثر رقابت پذیری مشخص می شود که تنها زیربخش های تولید موی نرم حیوان، حلاجی شده یا شانه زده و غیره، تولید پتو (غیر از پتوی برقی) و زیر اندازه های سفری از الیاف و غیره، پشت در، پرده و پرده کرکره ای درونی و غیره، نخ و طناب کائوچویی پوشانده شده با منسوج و غیره، تورباف ها و سایر پارچه های توری و غیره، لباس به صورت مجموعه، مردانه یا پسرانه، کشباف و غیره، ژاکت و ژاکت ورزشی، مردانه یا پسرانه و کشباف و غیره، ژاکت و ژاکت ورزشی، زنانه یا دخترانه و کشباف و غیره، شال، دستمال گردن، چادر و غیره، شال، چادر و روسری و مقنعه و غیره توانسته اند بهترین اولویت های بازارهای هدف محصولات صادراتی را پیدا کنند.

- در بین زیربخش های مورد مطالعه، صنایعی که توانسته اند اثر کشوری مثبت و نیز شاخص مزیت نسبی بالاتر از یک را کسب کنند عبارتند از نخ دارای ۵۸ درصد یا بیشتر، پشم یا موی نرم حیوان، لباس به صورت دست مردانه یا پسرانه، کشباف و غیره، پیراهن، بلوز زنانه یا دخترانه از الیاف طبیعی و پالتو و نیم پالتو، ردا، شل از الیاف طبیعی.

- بیشتر زیربخش های صنعتی مرتبط با پوشاک و نساجی حضور فعالی در بازارهای عراق، افغانستان، ترکیه، امارات متحده عربی و آسیا میانه داشته اند و به نظر می رسد اولویت های بازار برای محصولات صادراتی این صنایع می باشند.

- در راستای توسعه صادرات محصولات نساجی، اجازه واردات ماشین آلات و سایر تجهیزات واسطه ای برای تقویت و نوسازی ماشین آلات تولیدی در فعالیت های صنعتی اولویت دار سرمایه گذاری در بخش های مزیت دار منتخب با در اختیار گذاشتن تسهیلات بانکی و ارزی، مشروط بر باز پرداخت وام های ارزی از طریق ارز ناشی از صادرات این صنایع و حذف تعرفه ها و موانع دست و پا گیر برای مواد اولیه و تجهیزات وارداتی مورد نیاز فعالیت های تولیدی این گروه از صنایع ضروری است.

- جلب سرمایه گذاری های مشترک و راه هایی چون تولید تحت مارک های تجاری معتبر که می تواند به نفوذ در بازارهای پایدار کمک کند، به تقویت اثر رقابتی منجر خواهد شد.

محمد (۴۸۹۱) در تحقیق خود روند سریع افول صنعت نساجی نیجریه را ناشی از عوامل زیر دانسته است:

۱. کمبود مواد اولیه، ۲. رقابت با محصولات خارجی که اغلب به صورت قاچاق وارد می شوند ۳.، کهنه و منسوخ شدن تجهیزات و ماشین آلات ۴.، افت تقاضا، و ۵. فقدان دیدگاه مدیریتی و آینده نگری در میان مدیران و سیاستگذاران.

فیلاتوچیو و تامز (۲۰۰۲) در پژوهش خود تأثیر ساختار مالکیت و ویژگی های هیئت مدیره بر پاسخ های راهبردی سازمان های فعال در صنعت نساجی انگلستان به شرایط افول صنعت را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد سازمان های موفق در شرایط افول صنعت، تغییرات قابل توجهی را در مورد اندازه، ساختار مالی و مالکیت خود اعمال کرده اند. همچنین پژوهشگران در پایان پژوهش خود معتقد هستند که روابط پویا و پیچیده ای میان گزاره های اندازه،

ساختار مالی و ساختار مالکیت وجود دارد که برای درک بیشتر و بهتر آن ها پژوهش های عمیق و گسترده تري باید انجام شود.

تاپلین (۲۰۰۶) در پژوهش خود راهکارهای مناسب برای بازسازی و تجدید ساختار صنعت نساجی کشورهای اتحادیه اروپا را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که استفاده از نوآوری های فناوری، دستیابی به بازارهای هدف مناسب و افزایش برون سپاری می توانند راه حل های مناسبی باشند.

رای (۲۰۰۲) به بررسی چالش های پیش روی صنعت نساجی بنگال پرداخت. او در پژوهش خود دلیل افول صنعت نساجی بنگال را از قرن نوزدهم میلادی تاکنون، پیشرفت های گسترده انگلستان در زمینه فناوری های صنعت نساجی می داند.

چن چیو (۲۰۰۲) در پژوهشی عوامل مؤثر بر توسعه صنعت نساجی تایوان را به شرح زیر بیان کرده است:

اصلاحات جدي در قوانين و مقررات حاکم بر نظام مالیاتی تایوان؛

وام های بانکی و بازار مناسب عرضه زمین و نیروی کار که منجر به تقویت شرکت های کوچک و متوسط در زمینه های تجارت، سرمایه گذاری های مجدد و مدیریت نیروی انسانی گردیده است؛

سیاست های خاص اعمال شده توسط دولت برای صنعت نساجی؛

توسعه صنایع مکمل در مراحل گوناگون.

گادو و نمادو (۲۰۱۱) در مطالعه ي خود بر روی صنعت نساجی نیجریه نشان دادند که زیرساخت ها به عنوان یکی از منابع این صنعت، اهمیت ویژه ای در بهبود عملکرد شرکت های نساجی دارد.

احمد (۲۰۱۲) بحران های پدید آمده در صنعت نساجی پاکستان را ناشی از یازده عامل زیر می داند:

۱. عدم توجه به بخش تحقیق و توسعه (R&D)، ۲. فقدان تجهیزات و ماشین آلات مدرن و پیشرفته، ۳. افزایش هزینه های تولید، ۴. بحران انرژی، ۵. حذف یارانه ها در بخش نساجی، ۶. عدم سرمایه گذاری های جدید، ۷. قطع واردات پارچه پاکستان توسط اتحادیه اروپا و امارات متحده عربی، ۸. هزینه های مواد اولیه، ۹. عملکرد ضعیف صنعت در بخش صادرات محصولات، ۱۰. تأثیرات تورم، ۱۱. مدیریت ضعیف سیستم زنجیره تأمین.

۶. چالش ها و راهکارها

با توجه به بررسی های انجام شده مهمترین چالش های کنونی صنعت نساجی ایران به شرح زیر می باشند که به صورت مختصر به آن ها و راهکارهای پیشنهادی پرداخته می شود:

❖ عدم ثبات سیاست های اقتصادی کشور

ثبات، در هر کشوری عامل توسعه و پیشرفت اقتصادی آن کشور است و عدم ثبات به معنی هدر دادن منابع فیزیکی، انسانی و سرمایه های اجتماعی خواهد بود و خود به منزله عقب گرد اقتصادی محسوب می شود، اولین و کمترین هزینه ای که بی ثباتی چه در زمینه سیاست و چه در زمینه اقتصاد- در یک کشور ایجاد می کند فرار سرمایه های

داخلی و عدم جذب سرمایه های خارجی است که هر دو شکل دهنده اشتغال، تولید و در نتیجه کاهش انحرافات اجتماعی می باشند.

با توجه به تأثیر بالایی عدم ثبات سیاسی و اقتصادی کشور بر افول صنعت نساجی و این که در این گونه موارد کمتر می توان راهکارهای کاربردی پیشنهاد کرد، پژوهش گر با مشورت و بهره مندی از نظرات کارشناسان و خبرگان گوناگون به این نتیجه رسیده است که بهترین گزینه پیشنهادی برای مقابله با این عامل مهم و امثال آن، دید بلندمدت و آینده نگری واحدهای تولیدی البته با پیش بینی گزینه ها و راه حل های محتمل گوناگون و به نوعی استفاده از راهبردهای منعطف (رویکرد سناریونگرانه یا آینده های متعدد) است تا بتوانند با در برابر هرگونه رخداد و تغییرات صورت گرفته از سوی دولت، بهترین واکنش را از خود نشان دهند و در بدبینانه ترین وضعیت، حداقل ضرر را متحمل شوند. به علاوه می توان راهبردهایی را طراحی کرد که در برابر تغییرات محیطی غیرحساس باشد و در برابر آینده های مختلف عملکردی معقول و منطقی داشته باشد.

❖ قاچاق منسوجات به داخل کشور

قاچاق گسترده پوشاک و پارچه از کشورهایی مانند چین، ترکیه، امارات، تایلند و غیره، صنایع نساجی کشور را با بحران مواجه ساخته است. برآوردها نشان می دهد، حجم قاچاق پارچه و پوشاک بیش از میزان صادرات در این صنایع است. بر اساس اطلاعات ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، محصولات نساجی و پوشاک، رتبه دوم را در خصوص آمار قاچاق به خود اختصاص داده اند. با وجود مزیت های نسبی بسیار در صنعت نساجی که می تواند نکته مثبتی در تأمین نیاز داخلی به منسوجات و پوشاک و دستیابی به بازارهای صادراتی و ارزآوری مناسب تلقی شود، اما متأسفانه، در حال حاضر درصد زیادی از پوشاک و پارچه های موجود در بازار داخل از طریق مبادی غیررسمی و به صورت قاچاق از مرزهای جنوبی، شرقی و غربی وارد کشور می شود که این موضوع، سالانه میلیاردها دلار به اقتصاد ملی ضربه می زند (خدادادکاشی و فیروزجنگ، ۱۳۹۲). از این رو، پیشنهاد می شود مبارزه جدی و بی امانی با حجم گسترده قاچاق (اعم از رسمی، شناسنامه ای، همراه مسافر) و واردات بی رویه محصولات نساجی شامل انواع پارچه و پوشاک که بالاترین سهم در قاچاق کشور را دارا می باشد، صورت گیرد. قاچاق چینی که با فرار از پرداخت هرگونه مالیات (به ویژه مالیات بر ارزش افزوده و درآمد) و با بهره گیری از ارز ارزان قیمت، همواره رقابت پذیری محصولات داخلی صنایع نساجی را به چالش کشیده و به تدریج به سهم خود از بازار محصولات نساجی می افزایند و سهم بازار تولیدکنندگان نساجی را تصاحب کرده اند.

□ ارتباط ضعیف دانشگاه ها و مراکز آموزشی با صنعت و عدم وجود مراکز توسعه و تحقیقات نساجی

ارتباط دانشگاه و صنعت در بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته به صورت منسجم و سازمان یافته انجام می گیرد، در حالی که در کشورهای در حال توسعه با مشکلات و موانع بسیاری روبه رو است. در ایران نیز این ارتباط بسیار ضعیف و بر اساس سلیقه ی هر دانشگاه یا صنعت صورت می گیرد. مطالعات نشان داده است که این ارتباط در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بسیار ضعیف تر است. در این مورد صنعت نساجی با توجه به ویژگی های خاص خود و نیاز قابل توجه به محیط های آموزشی و پژوهشی، لطمه های فراوانی خورده است. از این رو، با توجه به اهمیت

ارتباط ضعیف صنعت و دانشگاه در مشکلات پیش روی صنعت نساجی، صنعت نساجی و این که بنا به نظر بسیاری از کارشناسان دلیل این امر عدم اعتماد طرفین به یکدیگر است، پیشنهاد می شود ساز و کارهایی به ویژه از طرف دانشگاه ها و سایر مراکز آموزشی جهت اعتمادسازی صورت گیرد. از این رو به نظر می رسد انجام پروژه های کاربردی و مؤثر به صورت رایگان و یا با حداقل هزینه گامی اثربخش در این راستا محسوب شود. همچنین پیشنهاد می شود مراکز و نهادهایی که می توانند به عنوان یک رابط میان دانشگاه و صنعت ایفای نقش نمایند، توسعه یافته و در جهت تسهیل روابط میان صنعت نساجی و مراکز آموزشی مرتبط، عمل کنند.

□ ضعف در تدوین و اجرای راهبردهای بلندمدت در سطح کلان و صنعت

با توجه به تغییرات محیطی که در حال حاضر شتاب زیادی به خود گرفته است و پیچیده شدن تصمیمات مدیریتی، لزوم به کارگیری برنامه ای جامع برای مواجهه با این گونه مسائل و برای شکل دادن به آینده به صورت اثربخش (کنترل آینده) بیشتر از گذشته ملموس می شود. این برنامه چیزی جز برنامه راهبردی نیست. مدیریت راهبردی با تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده نگر، جامع نگر و اقتضایی راه حل بسیاری از مسائل سازمان های امروزی است. پایه های مدیریت راهبردی بر اساس میزان درکی است که مدیران از سازمان های رقیب، بازارها، قیمت ها، عرضه کنندگان مواد اولیه، توزیع کنندگان، دولت ها، بستانکاران، سهامداران و مشتریانی که در سراسر دنیا وجود دارند قرار دارد و این عوامل تعیین کنندگان موفقیت تجاری در دنیای امروز است. علی رغم اهمیت مسائل راهبردی در صنعت نساجی، این موضوع زیاد جدی نگرفته شده است. در این زمینه پیشنهاد می شود دفتر نساجی و پوشاک وزارت صنعت، معدن و تجارت با بهره گیری از نظرات کارشناسان، خبرگان و مدیران برگزیده صنعت، برنامه و راهبرد بلندمدت و قابل اتکا از سوی واحدهای تولیدی را برای صنعت نساجی استان تدوین کند تا از این رو، در سطح سیاست گذاری های مرتبط با این صنعت، وضعیت قابل پیش بینی و شفافیت پیش روی مدیران صنعت باشد و آن ها نیز بتوانند برنامه ریزی مناسبی برای واحدهای خود داشته باشند.

□ عدم امکان تأمین مواد اولیه با کیفیت مطلوب و قیمت ارزان

بدیهی است که توسعه منابع دسترسی و تولید مواد اولیه چه از حیث الیاف طبیعی و چه از نظر الیاف مصنوعی منشأ اولیه توسعه کارخانجات صنعت نساجی است. به علاوه، به نظر می رسد یکی از علل علت اصلی عقب ماندگی صنایع نساجی در ایران فقدان منابع تولید و مواد اولیه و وابستگی شدید این صنعت به واردات این گونه موارد بوده است. در این مورد پیشنهاد می شود تأمین مواد اولیه ی مورد نیاز این صنعت از منابع داخلی و یا خارجی تسهیل گردد. در این خصوص اگر امکان تولید این مواد از منابع داخلی وجود دارد، همچون گرانول پل یپروپیلن و چیپس پلی استر مورد نیاز جهت تولید الیاف مصنوعی، عرضه ی آن ها به گونه ای صورت پذیرد که واحدهای مصرف کننده بتوانند به راحتی

و در قالب قراردادهای دراز مدت و به دور از بازارهای سیاه آن را تأمین کنند؛ و چنانچه امکان تولید این مواد از منابع داخلی وجود نداشته و یا منابع داخلی جواب گوی تمامی نیاز کشور نمی باشند، همچون الیاف پنبه، امکان ورود این مواد به کشور با کمترین هزینه و محدودیت به وجود آید.

۷. نتیجه گیری

صنعت نساجی همواره به عنوان یکی از صنایع مهم، همواره مورد توجه سیاست گذاران بخش صنعت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. این صنعت در ایران نیز قدمتی چند صد ساله دارد، اما همان گونه که بیان شد، طی سال های اخیر دچار مشکلات و مسائل بسیاری بوده و روزهای سختی را می گذراند که البته عمده ی این ضعف و چالش ها متوجه کارخانجات دولتی می باشد، کارخانجاتی که به سبب داشتن تکنولوژی قدیمی و مستهلک، مدیران غیرصنعتی و انباشت نیروی کار ساختارهای بیمار مالی و تورم نیروی انسانی، بهره وری پایین و عدم توجه به بازار و کیفیت کالا با قیمت تمام شده بالا با مشکلات عمده ای مواجه شدند و در نهایت بسیاری از آن ها تعطیل شده و از آنجا که در اذهان عمومی کاملاً شناخته شده بودند این ضعف به کل صنعت تسری پیدا کرد. تا حدی که اصطلاح بحران برای این مشکلات رایج شده و در اذهان عمومی و حتی اذهان مدیران و مسئولین تصمیم گیر و تصمیم ساز جا افتاده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن بود مشکلاتی که در حال حاضر گریبان گیر این صنعت هستند از دیدگاه های مختلف طبقه بندی و بررسی شده و راهکارهای مناسب ارائه شوند. امید است در آینده ای نزدیک شاهد درخشش دوباره ی صنعت نساجی در صحنه های ملی و بین المللی باشیم.

منابع

- ابراهیمی سید یاسین نگاهی به برخی چالش های صنعت نساجی در ایران، نشریه صنعت نساجی و پوشاک ابویی اردکان، محمد، معتمدی، مهدیه بررسی عوامل بازدارنده و پیشران در مسیر رشد و توسعه خوشه های صنعتی (مطالعه موردی خوشه نساجی استان یزد). فصلنامه بهبود مدیریت، ایرانمنش، مجید تحلیلی بر صنعت نساجی کشور و استان یزد. سازمان صنایع و معادن استان یزد. اسفندماه
- بختیاری کلثوم بررسی دلایل کاهش فروش کارخانجات نساجی و پارچه بافی (مطالعه موردی). نشریه بررسی های بازرگانی،
- بیاتی لیلا. آمار و اطلاعات تولیدی واحدهای عضو انجمن و مشکلات آنها، دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی، انجمن صنایع نساجی ایران.
- تشکری شاد، حمیده آمار صادرات و واردات کشور در ماه نخست سال . انجمن صنایع نساجی ایران. تهران.
- تشکری شاد، حمیده، فرزندی، مریم . نقدی بر برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت در بخش نساجی و پوشاک. دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی، انجمن صنایع نساجی ایران. تهران.
- توکلی، احمد، دهقانی سانج، جلال بررسی عوامل تأثیرگذار بر توسعه صادرات صنعت نساجی (مطالعه موردی: صنعت نساجی استان یزد). مجله دانش و توسعه،
- حائری، علیرضا، تشکری شاد، حمیده بررسی جامع صنعت پوشاک در ایران و عارضه یابی دلایل عدم توسعه مناسب آن در کشور. دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی، انجمن صنایع نساجی ایران. تهران.
- خداداد کاشی، فرهاد، فیروزجنگ، هانیه بررسی تأثیر قاچاق منسوجات بر بهره وری در صنعت نساجی و پوشاک ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی،
- درون پرور، داوود، صادقین، علی، احمدی حدید، بهروز، شمشیریان، وحید، طاهری، مجید بررسی بازار تجاری محصولات صنایع پوشاک و نساجی ایران، فصلنامه مدیریت، ۹ (ویژه نامه)،

دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی مشکلات و تنگناهای واحدهای تولیدی صنایع نساجی کشور و راه حل های پیشنهادی، آبان ماه

دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی بررسی مشکلات روز صنایع نساجی کشور و ارائه راه کارهای پیشنهادی، انجمن صنایع نساجی ایران، شهریورماه

رحمان سرشت، حسین، صفاییان، میترا . مدل رقابت پذیری صنایع تولیدی در ایران. مطالعات مدیریت صنعتی
 رحیمی بروجردی، علیرضا رابطه میان رشد اقتصادی و تجارت در بخش صنعت(مواد نساجی و پوشاک).
 مجله دانش و توسعه،

رضی پور، شیوا مزیت های مهم صنعت نساجی و پوشاک در ایران. دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی،
 انجمن صنایع نساجی ایران. تهران.

روشن، سید علیقلی، بختیاری، کلثوم بررسی مشکلات صنعت نساجی(پارچه بافی) در ایران و اقدامات صورت گرفته
 توسط کشورهای پیشرو در این صنعت. نشریه بررسی های بازرگانی،

سعیدا اردکانی، سعید، صیادی تورانلو، حسین تحلیل چالش ها و راهکارهای توسعه صادرات غیرنفتی مطالعه
 موردی: صنایع نساجی استان یزد. نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی،

صادقی، زین العابدین، حری، حمیدرضا، ادیب زاده احسان بررسی توان رقابتی صنایع نساجی استان یزد.
 بررسی های بازرگانی،

عزیزی، فیروزه، پاسبان، فاطمه بررسی وضعیت تولید و ارزش افزوده صنعت نساجی در ایران و تأثیر سیاست های
 پولی و مالی دولت بر آن طی دوره نشریه پژوهش های رشد و توسعه پایدار،

عسگری، حشمت الله تحلیل بهره وری در صنایع استان ایلام، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ،
 کاریک جیمز انقلاب صنعتی، ترجمه مهدی حقیقت خواه. تهران، انتشارات ققنوس.

کریمی، فرزاد، ثاقب، حسن بررسی وضعیت و جایگاه صنایع کوچک اصفهان در کشور، نشریه بررسی های بازرگانی
 گزارش نگاهی به وضعیت تجارت صنایع نساجی و پوشاک در نه ماهه اول نشریه صنعت نساجی و پوشاک،

گمرک جمهوری اسلامی ایران بخش آمار و اطلاعات. <http://www.irica.gov.ir>

معصوم زاده، سید محسن، تراب زاده، اقدس رتبه بندی تولیدات صنعتی کشور، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی
 نظری، محسن، بازرگانی کیا، معصومه بررسی اثر جهانی شدن بر صنایع نساجی، پوشاک و چرم طی دوره . مجله
 تحقیقات اقتصادی،

نیازخانی الهه صنعت نساجی، دروازه ای به سوی صنعتی شدن. دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنعت نساجی،
 انجمن صنایع نساجی ایران. تهران.

هاشمیان اصفهانی، مسعود . تعیین اولویت های سرمایه گذاری جهت تقویت مزیت های نسبی صادرات صنعتی،
 چاپ دوم. مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران.

هدایتی دزفولی، احمدرضا سرمایه گذاری خارجی در صنعت نساجی ایران، نشریه صنعت نساجی و پوشاک هوبزباوم اریک جان . عصرانقلاب، ترجمه علی اکبر مهدویان، تهران، نشر مترجم.

یوسفی حاجی آباد، رضا، خداداد کاشی، فرهاد بررسی عملکرد صنایع با سطح تمرکز و نوآوری بخش صنعت ایران با استفاده از مدل رگرسیونی PVAR، فصلنامه مدل سازی اقتصادی،

یونیدو تجدید حیات صنعتی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه مسعود هاشمیان و ماندانا فاضل. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

- Ahmed, A. (2022). Growth Trends of Pakistan Textile I Available at: <http://www.rcci.org.pk/wp-content/uploads/2012/12/gtopti.pdf>
- Chen Chiu, L. Industrial Policy and Structural Change in Taiwan's Textile and Garment Industry. *Journal of Contemporary Asia*, 39(4), 512-529
- Filatotchev, I., Toms, S. Corporate Governance, Strategy and Survival in a Declining Industry: A Study of UK Cotton Textile Companies. *Journal of Management Studies*, (4)40, 895-920
- Gado, N. D., Nmadu, T. M. The Performance of Textile Companies in the North West Zone of Nigeria: the Role of Infrastructure as a Resource, *International Journal of Human Resource Studies*
- Hasanbeigi, A., Hasanabadi, A., Abdorrazaghi, M. Comparison analysis of energy intensity for five major sub-sectors of the Textile Industry in Iran. *Journal of Cleaner Production*, (23), 186-194
- Mohammed, H.T. Textiles Mills Limited (KTL) Management of the Marketing Function: A Case Study, MBA Thesis Ahmadu Bello University Zaria
- Ranganathan, K., Karunagaran, K., Sharma, D. C. recycling of wastewaters of textile dyeing industries using advanced treatment technology and cost analysis Case studies, (50) *Resource, Conservation and Recycling*
- Ray, I. Identifying the woes of the cotton textile industry in Bengal: tales of the nineteenth century. *Economic History Review*, 62(4), 857-892
- Taplin, I. M. Restructuring and reconfiguration The EU textile and clothing industry adapts to change. *European Business Review*, 18(3), 172-186
- WTO(World Trade Organization) International Trade Statistics. <http://www.wto.org>

نام و نام خانوادگی

رقیبه نصیری